

تحلیل سفره‌های نذری زنانه براساس نظریه آیین‌های گذار*

سمانه سالک^{۱*}، فریده طالب‌پور^۲، بهار مختاریان^۳

چکیده

آیین‌ها مجموعه‌ای از کنش‌ها و سخنانی هستند که در یک کیش و جامعه باورمند به حضور مؤثر موجودات فوق طبیعت برای تأثیرگذار شدن بر آن‌ها و به شیوه‌های خاص انجام می‌شوند. دسته‌ای از آن‌ها آیین‌های جمعی‌اند که برخی در سطح اجتماع و برخی در فضای شخصی زندگی ادا می‌شوند. سفره‌های نذری از دسته دوم‌اند که بخش درخور توجهی از آن‌ها فقط از سوی زنان و در حضور زنان انجام می‌شوند. در این مقاله، کوشیده شده به این پرسش پاسخ داده شود که چگونه می‌توان سفره‌های نذری در ایران را نوعی آیین گذار دانست و بر این اساس تحلیل کرد؟ آن‌گونه که نتایج بررسی نشان می‌دهد، این جمع‌های کوچک جماعت‌واره‌گون هر چند با تعریف آرنولد ون جنپ گویای مراحل گذار نیستند، با دیدگاه تکامل‌یافته‌تر ترنر در این مفهوم قرار می‌گیرند و اجزای این مناسک منطبق بر مراحل مورد نظر است. پژوهش حاضر براساس شناخت بخشی از آیین‌های زنانه ایران شکل گرفته است که تاکنون کمتر از منظر علمی بررسی شده‌اند و معمولاً فقط با عنوان رسوم عامیانه معرفی شده‌اند. لذا تعدادی از سفره‌های نذر در پنج منطقه ایران با روش مردم‌نگاری مطالعه شده‌اند. گردآوری اطلاعات نیز به شیوه مشاهده مشارکتی و مصاحبه انجام شده است. همان‌گونه که انتظار می‌رفت، این سفره‌ها پس از تجزیه به اجزای آیینی‌شان با بهره‌گیری از نظریه آیین گذار ون جنپ (به روایت ترنر) در مراحل گذار جای گرفتند. پیش از آن، مصداق‌های جنبه‌های جماعت‌وارگی و آستانگی و نیز شکل‌های انتقال امر مقدس هم در این آیین‌ها یافت شدند.

کلیدواژگان

آیین گذار، آیین‌های ایران، جماعت‌واره، سفره نذری، ون جنپ، ویکتور ترنر.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول است که با نام « دلالت معنایی نماد پنجه دست در هنر ایران (از منظر انسان‌شناسی نمادین)» به راهنمایی دکتر فریده طالب‌پور و مشاوره دکتر بهار مختاریان در دانشکده هنر دانشگاه الزهراء (س) انجام شده است.

a.salek@alzahra.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء (س)

talebpour@alzahra.ac.ir

۲. استاد گروه طراحی پارچه و لباس، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء (س)

b.mokhtariyan@aui.ac.ir

۳. دانشیار گروه درس عمومی و معارف، دانشگاه هنر اصفهان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۰

مقدمه

آیین رفتار قراردادی معینی است شامل زنجیره‌ای از رفتارهای قالبی همچون حرکات، واژگان و اشیا که با باور به نیروهای رازآمیز و تأثیرگذاری‌شان همراه‌اند و برای مناسبت‌هایی که به جریان عادی و روزمره زندگی وابسته نیستند ادا می‌شوند [۲۰، ص ۱۹]. از این میان، آن گروهی از آداب که با مشارکت عده‌ای، برخی در سطح اجتماع و برخی در فضای شخصی زندگی، انجام می‌شوند، آیین‌های اجتماعی گفته می‌شوند. از دسته دوم بخش درخور توجهی فقط از سوی زنان و در حضور زنان انجام می‌شوند که سفره‌های نذری از این دست هستند.

نوعی از آیین‌ها از نظر ون جنپ^۱، «آیین گذار» یا گذر هستند: آیین‌های گذار فرد از وضعیت اجتماعی ویژه به وضعیتی دیگر و آیین‌هایی که مقاطع خاصی از گذر زمان را نشان می‌دهند؛ مانند سال نو، اول ماه و مانند آن. این گذار در لحظه‌های حساس زندگی انسان و هنگام ثبت و رسمی کردن گذر از یک موقعیت به موقعیت دیگر اجرا می‌شود و از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است. تغییر موقعیت‌ها در قلمرو مسائلی نظیر: تولد، بلوغ، ازدواج، پدر و مادر شدن، مرگ و... چنان در زندگی ایرانیان مهم بوده است که معمولاً با دعوت به گردهمایی، غذادادن، جشن یا آزمون‌های گوناگون و دشوار همراه شده‌اند [۱، ص ۱۲]. با این تعریف، فقط موارد کاملاً ویژه و محدودی در طول زندگی گذار محسوب می‌شوند که سفره‌های نذری جزء آن‌ها نیستند. هر چند زنان ایران هنگامی چنین سفره‌هایی را تدارک می‌بینند که مسئله‌ای مانند بحران (بیماری، نداشتن فرزند و گرفتاری‌های گوناگون) در زندگی‌شان مطرح باشد، طبق تعریف گفته‌شده، این موارد نمی‌توانند تغییر جایگاه و موقعیت محسوب شوند. پس چگونه سفره‌های نذر را گونه‌ای گذار دانسته‌ایم؟

ویکتور ترنر^۲ از نظریه آیین‌های گذار ون جنپ تأثیر پذیرفته و آن را به بسیاری از آیین‌ها گسترش داده است؛ به گونه‌ای که هر تغییری از یک وضعیت به وضعیت دیگر را شامل می‌شود [۱۹، ص ۴۴]. اندیشه وی منحصر به مرحله میانی این مدل، یعنی آستانگی و خاصیت جماعت‌وارگی درون آن، است. به این دلیل، علاوه بر مفهوم جماعت‌واره، تعریف گسترده‌تر وی از گذار وام گرفته شده و در کنار مراحل سه‌گانه ون جنپ گذاشته شده است. حال با این نگاه و الگوی نظری می‌توان بسیاری از آیین‌های دیگر، همچون سفره‌های نذر، را نیز در آن جای داد. در این زمینه، دو پرسش درباره بود و نبود جماعت‌وارگی در این گونه جمع‌ها و چگونگی جای‌گیری اجزای این آیین‌ها در مراحل موردنظر پیش می‌آید. هدف علاوه بر تحلیل آیینی بر

۱. Arnold Van Gennep: مردم‌شناس فرانسوی هلندی‌تبار.

۲. Victor Turner: از پژوهش‌گران مشهور و یکی از دو نظریه‌پرداز است که دو رویکرد اصلی انسان‌شناسی نمادین را ایجاد کرده‌اند. نگاه ویژه ترنر به نماد، تأکید بر لزوم تحلیل آن در بافت اجتماعی و آیینی آن است.

پایه نظریه انتخابی، شناخت و تحلیل بخشی از آیین‌های زنانه در ایران است که به دلیل غیاب مردان در آن‌ها مورد مطالعه جدی قرار نگرفته یا عامیانه محسوب شده‌اند. آنچه انجام‌دادن چنین تحقیقاتی را ضروری می‌کند، در حاشیه بودن زنان و جهان‌بینی آن‌ها در مطالعات ایران است که از این‌رو مورد دقت نظر قرار نگرفته‌اند که آیین‌های ویژه‌شان گاه، مانند سفره‌های مورد بررسی، نیمه‌پنهان اجرا می‌شوند.

بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که به جزء مطالبی که فقط به معرفی این سفره‌ها پرداخته‌اند، تحقیقات بسیار اندکی در این باره صورت گرفته است. سپهر در مقاله «زنان میراث‌دار سفره‌های هفت‌سین و نذری» به پیشینه این سفره‌ها و دسته‌بندی آنان در میان زردشتیان و شیعیان و دلیل زنانه‌بودن گروهی از آن‌ها پرداخته و در پایان این موارد را به‌منزله گواه بستر پاک زمین و مزرعه و سپندارمذ تفسیر کرده است [۵].

تنها نمونه‌ای که مورد مطالعاتی مشابه داشته و به دنبال تحلیل علمی این موضوع بوده است مقاله «سفره‌های نذری در تهران: عاملیت زنانه در جماعت آیینی» است [۳]. رحمانی و فرح‌زاد، نویسندگان مقاله، به عاملیت زنان و فعالیت‌هایی که آنان در فضای اجتماعی حاصل از این گردهمایی انجام می‌دهند پرداخته‌اند. آن‌ها معتقدند این نوع اجتماع آیینی شبکه‌ای را از پیوندهای اجتماعی ایجاد می‌کند که در حل بحران‌ها و مسائل زندگی زنان نقش بسیاری دارد. این مقاله علاوه بر مسئله و هدف متفاوتی که با کار پیش رو دارد، سفره‌هایی را انتخاب کرده است که حالتی رسمی و مذهبی‌تر^۱ دارند.

در زمینه کاربردی نظریه آیین‌های گذار به دو مورد برخورد شد. سجادی [۶] در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «تحلیل نظری ویکتور ترنر در باب آیین زیارت»، چگونگی اجرای مفاهیم ابزاری این انسان‌شناس را در تحلیل آیین زیارت، که خود ترنر نیز به آن پرداخته، هدف قرار داده است. وی موارد آستانگی و نیز عوامل برهم‌زننده آن را در زیارت‌های امروز سنجیده و نتیجه گرفته است که ما شاهد نوعی گذر از زیارت سنتی و مقید به سوی ساختاری هستیم که سرشار از نمادهای سکولار است. فرح‌زاد [۱۰] در پایان‌نامه کارشناسی ارشد «آیین‌های زنانه با تمرکز بر آیین زن‌شاهی»، یک رسم را در منطقه آب‌اسک امل بر این مبنای بیشتر براساس نظریه درام اجتماعی ترنر و با هدف شناخت منطق آیین‌های حاکم بر این نوع تحلیل کرده است. اسدیان [۱۱] نیز هرچند در کتاب «آیین‌های گذر در ایران» به بررسی آیین‌های مربوط به زادن و کودکی، بلوغ و ازدواج، مرگ و سوگ به‌منزله مصداق‌های گذار پرداخته است، نتیجه‌گیری و تحلیلی براساس این نظریه انجام نداده است.

اما آنچه پژوهش حاضر را از موارد دیگر برجسته می‌کند این است که تاکنون آیین‌های زنانه از یک منظر علمی به اجزایشان تقسیم نشده و طبق نظریه مشابهی نیز به آن‌ها پرداخته

۱. سفره حضرت ابوالفضل(ع)، حضرت رقیه(س)، امام حسن(ع)، ختم انعام، ذکر صلوات.

نشده است. با مطالعه چنین آیین‌هایی با این رویکرد می‌توان به تصویر روشن‌تری از آن‌ها و فهم معانی و نیز دسته‌بندی و جایگاه این مفاهیم در قلمرو رفتارهای دینی و فرهنگی رسید. بر پایه روش تحقیق مردم‌نگاری^۱، طی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۷، چندین سفره‌نذری^۲ در بیرجند، مشهد، تهران، دزفول و کرمان برگزار شده از سوی زنان مسلمان شیعه و در یک نمونه زردشتی، مورد مشاهده مشارکتی^۳ قرار گرفته است. این پژوهش کیفی طبق شیوه نمونه‌گیری نظری انجام شده است. طی تحقیق، موارد مطالعه از میان سفره‌هایی برگزیده شدند که به نظر می‌آمد در کنار داشتن رنگ اسلامی، صورت کهن‌تر و اصیل‌تری از اجرای آیین‌ها دارند و تأییدکننده مقولات نظری تحقیق‌اند. برای یافتن افراد آگاه و نیز برگزارکنندگان سفره‌ها از اطلاع‌رسان‌هایی^۴ بهره برده شد که بانوانی بومی و آشنا به مناسک موردنظر بودند. در کنار حضور در مکان اجرای آیین، مصاحبه عمیق و باز با افراد مطلع^۵، به‌ویژه سالخوردگان، و نیز مطالعه اسناد، دیگر ابزار گردآوری اطلاعات بوده است. طبق آنچه محقق میدانی مردم‌نگار باید عمل کند، محقق هم‌زمان هم مشاهده‌گر بود و هم مشارکت‌کننده در انجام‌دادن آیین. شایان ذکر است که به دلیل لزوم پذیرفته‌شدن از سوی اجتماع مطالعه‌شده، نگارنده هربار به‌واسطه دوست و خویشاوندی در میان جمع، معتمد دانسته شده و توانسته به بررسی افراد در جریان زندگی عادی و واقعی‌شان بپردازد. نکته دیگر در مورد مصاحبه‌ها این است که کمتر با پرسش مستقیم نتیجه موردنظر به دست آمد، زیرا این زنان و نسل‌های گذشته‌شان همواره به شکل عملی درگیر اجرای این آیین‌ها بوده‌اند و آگاهی بیانی به کار خویش ندارند. از این رو، پرسش‌ها غیررسمی و در قالب گفت‌وگویی ظاهراً اتفاقی و همدلانه انجام شده‌اند.

آیین‌های گذار، آستانگی و جماعت‌واره

اصطلاح آیین گذار نخستین بار از سوی آرنولد ون جنپ ارائه شد که آن را برای عبور از یک دوره یا مرحله حیات زیستی و اجتماعی فرد به دوره دیگر به کار برد. آن‌ها بخش مهمی از آیین‌های اجتماعی جوامع انسانی‌اند که در دل خود ضدساختار و دارای هرج‌ومرج‌اند. ون جنپ در نظریات خود به سه مرحله قابل جداسازی اشاره می‌کند:

۱. مردم‌نگاری علم و هنر توصیف یک گروه انسانی (اعم از نهادهای آن، رفتارهای میان‌فردی، محصولات مادی و عقاید آن گروه) در جریان زندگی جاری و عادی افراد مورد مطالعه است. این روش استقرایی مبتنی بر میدان است و در تماس چهره‌به‌چهره با مردم مورد مطالعه و در بلندمدت انجام می‌شود [۲، ص ۴۸-۴۷].
۲. سه نمونه سفره بی‌بی سه‌شنبه، یک نمونه در هریک از سفره‌های دیگچه حضرت زهرا، خضر و اماج‌وکماج، دو نمونه سفره شاه‌پریان در دزفول و کرمان (مسلمان و زردشتی).
۳. سبک استفاده‌شده از سوی محققان مردم‌نگار و زمینه‌ای برای گردآوری داده‌ها.
۴. شش اطلاع‌رسان/
۵. ده مصاحبه/

- مرحله «گسست» یا «پیش‌گذار» که فرد از موقعیت پیشین خود کناره می‌گیرد. این مرحله ممکن است با جدایی فیزیکی واقعی و دوری از جامعه بزرگ‌تر برای مدت‌زمانی معین همراه باشد.

- مرحله «گذار» یعنی مرحله‌ای که فرد از حالت پیشین جدا می‌شود، اما هنوز به موقعیت جدید وارد نشده است. در زمان وقوع دوره آستانه‌ای، وضعیت سوژه آیینی مبهم است. فرد از میان حوزه‌ای که هیچ نسبتی با آن ندارد یا نسبت کمی با وضعیت گذشته یا آینده او دارد می‌گذرد. - مرحله «پیوند دوباره» یا «پساگذار» که در آن فرد به موقعیت یا وضعیت ثانوی خود وارد و در آن پذیرفته شده است. در دوره سوم، گذر به پایان رسیده است. سوژه آیینی به صورت انفرادی یا گروهی دوباره در وضعیتی پایدار قرار می‌گیرد [۲۰، ص ۴۷]. در این مرحله، آیین‌های الحاقی انتقال فرد به منزلت جدید را تکمیل می‌کنند. رفع محدودیت‌ها، پوشیدن نشان جدید و مشارکت در صرف نوعی غذا، ویژگی‌های این مرحله از آیین گذار است [۱۱، ص ۳۳۴]. اگرچه بسیاری از آیین‌های گذار شامل هر سه مرحله ذکرشده‌اند، شدت هر مرحله بنا بر نوع منسک متفاوت است [۱۰، ص ۲۶۱؛ ۱۷، ص ۴۷].

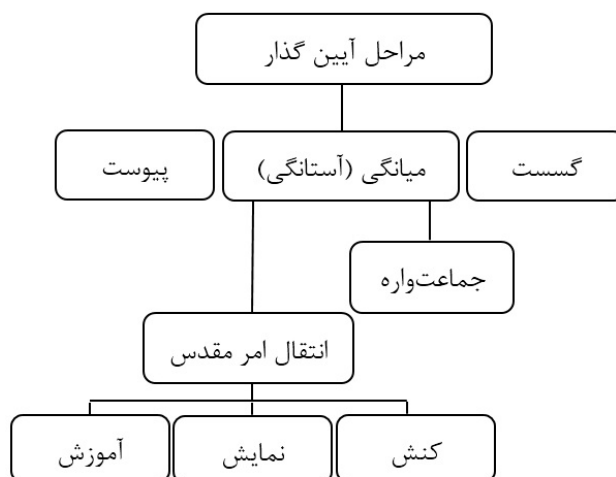
ترنر بر این موضوع تأکید می‌کند که آیین‌های گذر به صورت فرهنگی فقط به مجموعه‌ای از بحران‌های زندگی محدود نمی‌شوند و ممکن است با هر تغییری از یک وضعیت به وضعیت دیگر همراه شود. منظور او از وضعیت، شرایطی نسبتاً متعادل و ثابت است و ممکن است در معنای خود شامل چیزهایی مانند ثبات اجتماعی به‌عنوان یک وضعیت مشروع، حرفه، منصب، پیشه، طبقه یا رتبه باشد. همچنین، وضعیت سلامتی یک شخص، در جنگ یا صلح بودن یا خشک‌سالی یا فراوانی در یک جامعه شامل این شرایط می‌شود. ترنر به گذار به‌عنوان یک روند نگاه می‌کند و برای وی حتی دگرگونی‌ای مانند گرم‌شدن تا جوشیدن آب نوعی وضعیت گذار است [۱۹، ص ۴۶].

او معتقد است که ساختار بسیاری از آیین‌ها شامل فضایی به نام آستانه است که در مکان یا زمانی «بافاصله» به وجود می‌آید. این امر وقفه‌ای در نقش‌ها، مسئولیت‌ها، قواعد، نظم‌های معمول اجتماعی و حتی شیوه‌های اندیشه ایجاد می‌کند [۴، ص ۵۲ و ۵۳]. افراد در آستانگی نه جایگاهی دارند و نه رتبه‌بندی اجتماعی‌ای، نه نسبت و برتری خویشاوندی و نه حتی تفاوت لباسی یا هیچ‌چیز دیگری که آن‌ها را از دیگران متمایز کند. گویی مردم در آستانه یک منطقه بینابینی قرار می‌گیرند که مناسبات معمول اجتماعی در آن وجود ندارد. ترنر این وضعیت میانه (آستانه) را برجسته کرد که این بعدها به ابداع دو مفهوم ضدساختار و جماعت‌واره از سوی وی منجر شد. وی معتقد است که سادگی ساختار آستانگی همراه با تفاسیر و جنبه‌های فرهنگی پیچیده‌ای است. یکی از این جنبه‌ها، که دربردارنده سه شکل است، انتقال امر مقدس است که ترنر آن را قلب موضوع آستانگی می‌داند. این انتقال از سه مؤلفه تشکیل شده است: ۱. نمایش‌ها

(آنچه نمایش داده می‌شود)، ۲. کنش‌ها (آنچه انجام می‌شود)، ۳. آموزش‌ها (آنچه گفته می‌شود). نمایش‌ها شامل وسایل مقدس یا ابزار احضارکننده است؛ مانند آثار مقدس خدایان، قهرمانان یا اجداد. در برخی آیین‌ها، امر مقدس شامل یک استخوان، دایره زنگی، آینه، ماسک‌ها، تصاویر، مجسمه‌ها و پیکره‌ها می‌شود [۱۸، ص ۷].

در جامعه دو مدل از روابط اجتماعی وجود دارد: اول، جامعه به‌مثابه یک سیستم تمایزپذیر و ساختارمند و نظامی بسته از روابط و منزلت‌های اجتماعی (ساخت اجتماعی) و دوم، جامعه‌ای غیرساختارمند که در حالت آستانگی ظهور می‌کند، به حالت مرزی و برابری اشاره دارد و خاصیت و یکی از جنبه‌های فرهنگی آن فقر و پایین‌آمدن جایگاه^۱ است (جماعت‌واره^۲) [۱۹، ص ۹۵ و ۱۰۴]. جماعت‌واره در شکاف ساختار (آستانگی)، در لبه ساختار و در لایه زیرین ساختار اتفاق می‌افتد [همان، ص ۱۰۷] (نمودار ۱).

ترنر تمایزات میان ساخت و جماعت‌واره یا به بیان دیگر مرحله آستانگی را به صورت مجموعه‌ای از تقابل‌های دوتایی ترسیم کرده که برخی از آن‌ها در جدول ۱ آمده است.



نمودار ۱. ارتباط آیین گذار با آستانگی، جماعت‌واره و امر مقدس. منبع: نگارندگان

۱. جماعت‌واره به این دلالت دارد که آن چیز که زیاد است و آن کس که بالاست، باید آنچه را که کم است تجربه کند [۱۹، ص ۹۷].

۲. ترنر واژه لاتین جماعت‌واره (communitas) را به واژه اجتماع (community) ترجیح می‌دهد تا این دو نوع رابطه اجتماعی را از هم تمایز دهد [۱۹، ص ۹۶].

جدول ۱. تقابل‌های ساخت و جماعت‌واره

| ساخت | جماعت‌واره (آستانگی) |
|--------------------------------|------------------------------------|
| ایستایی | پویایی |
| ناهمگنی | همگنی |
| نابرابری و بودن مقام | برابری و نبود مقام |
| مالکیت | نبود مالکیت |
| دارایی | نبود دارایی |
| عرفی و مادی | مقدس |
| فخر و تکبر | تواضع و فروتنی |
| پیچیدگی | سادگی |
| طبقاتی | گمنامی (ناشناخته‌بودن از نظر طبقه) |
| ندرت ارجاع به قدرت‌های رازآمیز | توالی ارجاع به قدرت‌های رازآمیز |
| دانسته‌های علمی | آموزه‌های مقدس |
| سروصدا | سکوت |

[۲۰، ص ۱۰۶]

از آن‌جا که این موقعیت‌های آستانه‌ای و اشخاص در آن شبکه طبقه‌بندی‌هایی را که به شکل معمول در حالت‌ها و موقعیت‌های فضای فرهنگی جای دارند از میان می‌برند یا از آن‌ها لغزش پیدا می‌کنند، حالت مبهم دارند. موجودیت‌های آستانه‌ای نه اینجا هستند و نه آنجا. آستانگی اغلب با مرگ، در رحم بودن، ناپیدا بودن^۱، در تاریکی بودن، نبود جنسیت، به بیابان رفتن و خورشید یا ماه‌گرفتگی پیوند می‌خورد [۱۹، ص ۹۵].

در ساخت، افراد به شکلی مبهم فقط از پس نقاب اجتماعی خود قابل شناسایی‌اند، اما در جماعت‌واره می‌توان کسانی دارای انسانیت مشترک ولی با قابلیت‌های فیزیکی و ذهنی متفاوت را ملاحظه کرد [۱۵، ص ۳۴۴]. جماعت‌واره‌ها در جایی ظاهر می‌شوند که ساخت اجتماعی موجود نباشد [همان، ص ۳۲۴]. همین ازهم‌گسیختگی اجتماعی موقت، یعنی حالت تعلیق و تنش که در جماعت‌واره وجود دارد، بهترین موقعیت را جهت تحلیل جامعه مزبور فراهم می‌کند [۱۱، ص ۲۶۲]. این تحقیق نیز سفره‌های نذر را رخدادهایی در آستانه و جماعت‌واره دانسته است و با گردآوری داده‌های آن‌ها درصدد ترسیم الگویی براساس پیش‌بینی است.

سفره‌های آیینی نذری

در تعریف دهخدا، «نذر آن چیزی است که واجب گردانند بر خود یا آنچه واجب کنند به شرط

۱. invisible: این اصطلاح از نظر ترنر به این معناست که از نگاه ما که بیرون از آیین قرار داریم موقعیت فرد داخل آن نامفهوم و تجربه‌ناشده است [۱۸، ص ۷].

چیزی». پیشکشی‌ها و نذرها، که ابزار پیوندی میان انسان و الوهیت هستند، ادامه و شکل دگرگون‌شده قربانی‌کردن‌های جادویی‌اند [۱۲، ص ۳۳۵]. تصور جادویی حسی‌ای که می‌پندارد می‌تواند با جادو خدایان یا دیوها را ناگزیر کند که از خواست انسان پیروی کنند، صرفاً جایش را به مبادله با خدایان می‌دهد. این دگرگونی، که به پیشکشی معنا و عمق تازه‌ای می‌دهد، وقتی اتفاق می‌افتد که تأمل و اندیشه دینی دیگر صرفاً توجه خود را به محتوای پیشکش معطوف ندارد، بلکه به جای آن به شکل نذر توجه کند و در شکل آن معنای قربانی‌کردن را ببیند. اندیشه دینی اکنون از اجرای عمل صرف قربانی‌کردن به انگیزه درونی انسان پیشرفت می‌کند. تنها انگیزه «حرمت‌داشتن» می‌تواند به قربانی‌کردن معنا و ارزش ببخشد [همان، ۳۳۶].

سفره نذری یک آیین جمعی برای برآورده‌شدن یک نذر است که هرچند کنش مذهبی در آن غالب است، خرده‌منسک‌هایی نیز در کنار آن وجود دارد. این سفره‌ها از شناخته‌شده‌ترین نذرها میان زنان‌اند که طی سده‌ها تداوم تاریخی داشته‌اند. هر سفره آدابی دارد که برخی از آن‌ها فقط ویژه همان سفره‌اند.

زنان ایران‌زمین هنگامی که حاجتی دارند، گرد هم می‌آیند و با به‌جای‌آوردن تشریفاتی منظم و ساده، خویش را به گونه‌ای به نیرویی مآورایی متصل می‌کنند که حتی بودن او (صاحب سفره) را در مکان نذر باور دارند و نشانه‌هایی ملموس نیز برای این حضور می‌بینند.

چگونگی اجرای سفره‌های نذری

در مراحل اجرای همه سفره‌های نذر، کارهای مشترکی انجام می‌شود. مانند اینکه در آغاز نیت می‌کنند، سفره را با وضو و گفتن بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم پهن می‌کنند یا اینکه هریک از حاضران که حاجتی دارند نیت می‌کند که در صورت برآورده‌شدن آن، سفره مشابهی را ببیند. در کنار این آداب کلی، آدابی وجود دارند که در هرگونه تکرار می‌شوند و ویژگی و هویت‌ساز آن نوع سفره به شمار می‌آیند. همچنین، مؤلفه‌هایی نیز هستند که به یک منطقه یا فرهنگ بومی تعلق دارند و همگانی نیستند.

سفره‌هایی که در این بخش معرفی و سپس تحلیل می‌شوند سفره بی‌بی سه‌شنبه بیرجند/ خراسان جنوبی، سفره ام‌البینین یا اماج‌کماج و دیگچه حضرت زهرا (مشهد)، سفره حضرت خضر (تهران) و سفره شاه‌پریان (دزفول و کرمان) هستند.

سفره بی‌بی سه‌شنبه

آیین این سفره، که تقریباً در کل ایران شناخته‌شده است، روزهای سه‌شنبه برگزار می‌شود. پخت کاجی و انداختن سفره باید در اتاق یا فضایی تاریک، که دریچه‌ای به سوی آسمان ندارد، باشد و هیچ مرد یا حتی پسر بچه یا زن باردار که احتمال می‌رود بچه‌اش پسر باشد نباید شاهد

پخت این نذر باشند یا از آن بخورد. کاجی در فضایی تاریک، که با نوری کم یا شمع روشن شده، پخت می‌شود و فقط در میان ساکنان اتاق پخش می‌شود و از اتاق بیرون نمی‌رود و حتی گاه شست‌وشوی ظروف کاجی نیز در همان مکان سر بسته انجام می‌شود [۸، ص ۲۸-۳۵].

در بیرجند و مناطق اطراف، سفره‌ای ساده به این نام می‌چینند که آرد کاجی آن را از سه خانه، که یک نفر به نام فاطمه در میان آن‌ها باشد، می‌گیرند و پس از الک کردن، در اتاقی در بسته می‌گذارند. در گذشته ظرف آرد را به همراه آینه، قرآن و سرمه‌دان درون تنور خانه می‌گذاشتند و روی تنور را نیز می‌پوشاندند. گاه نیز آرد را در زیر دیگ یا تغار قرار می‌دادند. تا روز بعد هیچ‌کس نباید وارد آن مکان شود و خود آن فرد نیز تا نزدیک ظهر روز بعد روزه می‌گیرد. اگر نذر قبول شود، نیمه‌شب حضرت زهرا می‌آید و بر روی آرد و نمک انگشت می‌گذارد (مصاحبه ۱، شهریور ۹۷).

در نمونه‌ای که محقق در آن شرکت داشت، بانی نذر در شب قبل به جای گرفتن آرد از سه نفر، آن را در سه ظرف روی سه طاقچه خانه گذاشت و سپس یک‌به‌یک برداشت. پس از انجام دادن مراحل الک کردن و پنجه‌گذاشتن، ظرف آرد در اتاقی در بسته گذاشته شد. صبح روز بعد، صاحب نذر پس از هشدار دادن به مرد خانه برای ماندن در حیاط تا زمان اطلاع، چادر سفید دخترش را به‌عنوان سفره در اتاقی با پرده‌های کشیده پهن کرد. در گوشه‌ای از آن آینه، قرآن، سرمه‌دان، شمع، شیرینی، چادر و جانماز گذاشت. سپس به سراغ ظرف آرد رفت و رویش به دنبال نشانه‌ای از حضرت زهرا گشت. بعد از آن، نوبت به پخت کاجی و کماچ رسید. هنگام آماده کردن کاجی، داستان بی‌بی سه‌شنبه نقل شد که پس از هر جمله دختر بچه‌ای با بله گفتن وی را همراهی می‌کرد. گویا این فرد ترجیحاً باید نابالغ باشد. پس از آن، و در فاصله دم کشیدن کاجی و پختن کماچ، اندک حاضران روی چادر پهن شده نماز خواندند. آن‌گاه یک‌به‌یک در آینه نگاه کردند و با سرمه‌دانی که روی سفره بود به چشمان خود سرمه کشیدند. سپس چادری که نقش سفره و هم‌زمان سجاده را ایفا کرده بود از سوی حضار، به نیت روا شدن حاجت، بر سر صاحب آن تکانه شد. در پایان، آبی که با آن ظرف‌ها را شستند در باغچه ریخته شد تا اگر چیزی از کاجی باقی مانده، خوراک پرندگان شود. طبق یکی از مصاحبه‌ها، در گذشته گاهی آن را در آب روان می‌ریختند (مصاحبه ۲، مرداد ۱۳۹۷). پس از انجام دادن این مرحله پایانی، به مرد خانه اعلام شد که می‌تواند وارد شود.

زردشتیان نیز این سفره را می‌اندازند. هر چند نگارندگان آن را به چشم ندیده‌اند، به گفته مزداپور، زنی که صاحب سفره است، حتی می‌تواند گاهی گوشه‌ای از آشپزخانه و معمولاً سر تنور را با آستین خود جارو زند، مکان را تاریک کند، سنگی را در جای جاروشده قرار دهد و روی آن قدری کندر آتش زده و روزه بگیرد. پس از پختن کاجی و روشن کردن یک چراغ روغنی، قصه سفره را می‌گوید و با خوردن خوراکی‌هایی که حالا متبرک شده است روزه‌اش را می‌گشاید. این سفره کم‌وبیش پنهانی محسوب می‌شود و غیر از صاحب سفره فقط چند زن دیگر در آن شرکت می‌کنند [۱۴، ص ۳۸۳].

این سفره را برای انواع حاجات می‌اندازند، اما معروف به این است که برای رهایی زندانیان از بند بسیار کارساز است (مصاحبه ۳، شهریور ۱۳۹۷). این شهرت می‌تواند براساس مضمون قصه سفره باشد.

در این آیین، با نمادهایی مانند آرد و غذایی که با آن پخته می‌شود، نمک، عدد سه، تنور، اثر دست، آینه، چادر و پرندۀ روبه‌روییم. در صورتی که تک‌تک نمادهای این سفره و نمونه‌های بعدی بررسی شوند، از موضوع اصلی دور خواهیم شد. به همین دلیل فقط ساختار کلی توضیح داده می‌شود.

سفره دیگچه حضرت زهرا

انداختن این سفره نذری، که در خراسان رایج است، معمولاً در آخرین چهارشنبه ماه صفر انجام می‌شود. غذای ویژه آن دیگچه است که با برنج و شیر درست می‌شود. در روز مراسم، درحالی که هیچ مردی در آن شرکت نداشت، صاحب نذر هنگام دم‌کردن دیگچه و پس از گذاشتن سر دیگ، دو شمع را روشن کرد و روی آن گذاشت. سپس همان‌جا و در پای دیگ دو رکعت نماز حاجت خواند. پس از او، هرکس دیگری از حاضران که حاجتی داشت همین کارها را انجام داد. آن‌ها نذر می‌کنند که به محض برآورده شدن خواسته این دیگچه را بپزند (مصاحبه ۴، آبان ۱۳۹۷). هم‌زمان در اتاقی با پرده‌های کشیده سفره‌ای انداخته شد. به گفته یکی از کنشگران، در گذشته معتقد بودند که اگر آسمان رنگ دیگچه حضرت زهرا را ببیند، نجس می‌شود (مصاحبه ۴، آبان ۱۳۹۷). پس از نشستن حاضران دور سفره، دیگ را با در بسته به اتاق آوردند و بانی نذر سر آن را برداشت و به همراه چند نفر دیگر سطح را نگاه کرد تا اثر پنجه، مهر یا تسبیح حضرت زهرا را ببیند. با تشخیص آشکالی مانند جای انگشت با صلوات و شادی این نذر را پذیرفته دانستند و سپس این دیگچه نظر کرده میان همه حاضران تقسیم شد. از این غذا هیچ مردی نباید بخورد. این شامل زن آبستن هم می‌شود. مگر اینکه هنگام خوردن دعا کند که بچه‌اش سالم باشد و در عوض در سال دیگر مبلغی را برای دیگچه خرج کند (مصاحبه ۵، آبان ۱۳۹۷). با خوردن دیگچه، مراسم پایان یافت، اما در قدیم پس از پایان این مرحله، دست‌ها را در آفتابه و لگن می‌شستند و آن آب را در جایی مانند جوی روان می‌ریختند (مصاحبه ۵، آبان ۱۳۹۷).

سفره ام‌البین (اماج کماج)

نحوه ادای نذر و انداختن سفره اماج کماج، که منسوب به حضرت ام‌البین است و در خراسان به این نام شناخته می‌شود، بدین گونه است که خانمی که نذر دارد به اتفاق چند نفر در عصر روز دوشنبه (شب سه‌شنبه) ظرفی در دست می‌گیرد و با پای برهنه در هفت خانه از همسایگان را به صدا درمی‌آورد و از هر یک مقداری آرد، روغن، حبوبات، ادویه و سایر مواد لازم را برای پختن

آش اماج و نان کماج می‌گیرد و آن‌ها را روی سفره سفید و تمیزی که قبلاً در اتاق پهن شده قرار می‌دهد. سپس چراغی روشن می‌کند و هیچ‌کس تا صبح به آن اتاق قدم نمی‌گذارد (مصاحبه ۶، مهر ۱۳۹۶).

نگارنده از این مرحله به بعد را در مشهد شاهد بوده است. صبح روز سه‌شنبه، هنگام طلوع آفتاب، هفت عدد شمع روشن کردند. زنی متدین به درون اتاق رفت و به نماز و دعا مشغول شد. سپس صاحب نذر با چند نفر دیگر وارد اتاق شدند و همگی در پی علامتی روی آرد گشتند. چون معتقدند که اگر اثر پنجه یا مهر یا تسبیح حضرت ام‌البنین را ببینند، نذر قبول شده است. پس از اینکه نشانه‌هایی را مانند رد انگشت دیدند، صلوات فرستادند و به بانی مژده رواشدن حاجت را دادند و از وی التماس دعا کردند. سپس از آنچه از شب پیش بر سفره گذاشته شده بود، نان فطیر و آش اماج و کماج پختند. آن‌گاه مهمانانی که دعوت شده و در اتاق دیگر به انتظار نشسته بودند، وارد شدند و دور سفره نشستند. خانمی روضه ام‌البنین و هفت آیه از سوره «یس» را خواند که در میان هر آیه حاضران با ذکر وی را همراهی کردند. پس از پایان این بخش، به خوردن نان و آش پرداختند. گویی با سهیم‌شدن در آن، تبرک این غذا را وارد زندگی خود می‌کنند. طبق گفته یکی از کنشگران، در همین هنگام هرکس که آرزو و حاجتی دارد در دل نیت می‌کند و در صورتی که حاجتش برآورده شود، خود نیز این سفره را خواهد انداخت. همچنین، اگر آن را برای شفا انداخته باشند، صاحب نذر یک قاشق از آش به بیمار می‌خوراند. آن‌گاه انگشت کوچک خود را با دوده شمع سفره سیاه می‌کند و علاوه بر این که خالی بر پیشانی خود و بیمار می‌گذارد، دو علامت به شکل به‌علاوه و ضربدر نیز بر سینۀ وی می‌کشد. تیغه چاقویی را هم به دوده آغشته می‌کند. البته مصاحبه‌شونده می‌گوید که سال‌هاست دیگر شاهد انجام این عمل نبوده است (مصاحبه ۷، مهر ۱۳۹۶).

شکورزاده در وصف این سفره بخش‌هایی را نقل می‌کند که در اجرای دیده‌شده موجود نبود: صاحب نذر در هنگام طلوع آفتاب سه‌شنبه هفت شمع درست می‌کند و می‌گذارد تا ظهر، که می‌خواهد آن‌ها را در وسط سفره روشن کند، خشک شوند... هنگام خواندن روضه و سوره یاسین دختری نابالغ، که اسمش حتماً می‌بایستی فاطمه باشد، رو به قبله در کنار سفره می‌نشیند؛ به گونه‌ای که یک ظرف پُر از اماج و بشقاب خالی و قاشق در جلویش است و با خوانده‌شدن هر آیه، اماج را در ظرف‌ها می‌ریزد. در پایان، این آش را با آش دیگر ظرف‌ها مخلوط می‌کنند [۸، ص ۱۶-۲۰]. به این شکل، غذای متبرک‌شده با دعا پیش از تقسیم‌شدن باقی غذا را نیز تبرک می‌کند.

دلیل چنین تفاوتی شاید این باشد که این مراحل در رده آداب منطقه‌ای این سفره قرار می‌گیرند. احتمال دیگر نیز این است که چون گزارش شکورزاده مربوط به سالیان گذشته است، مناسکی را در آن می‌بینیم که دیگر انجام نمی‌شوند. در واقع، تقید به اجرای تک‌تک اجزای

آیین‌ها کمتر شده است؛ مانند لزوم پخت در فضای بسته که در آنچه دیده شد، به تناسب خانه‌های امروزی، این کار در یک آشپزخانهٔ این انجام گرفت.

این رسم برای هر حاجتی از قبیل شفای بیمار، سلامت مسافر و ادای قرض به جا آورده می‌شود. ولی زنان به‌خصوص برای خلاصی نزدیکان از زندان به این سفره متوسل می‌شوند. این سفره مخصوص ام‌البنین (ع) است و هرکس هم این سفره را نذر کند باید به نیت آن خاتون باشد. در ضمن، نباید این آش را زنان باردار و مردان بخورند، چون مردی که از آن بخورد به زندان خواهد افتاد و فرزند زن هم اگر پسر باشد، روزی در زندان گرفتار می‌شود (مصاحبهٔ ۸، مهر ۱۳۹۶).

سفرهٔ حضرت خضر

سفرهٔ نذری حضرت خضر، که نمونه‌ای از آن در تهران بررسی شد، همانند بسیاری از سفره‌های زنانه، دور از نور مستقیم آفتاب انداخته می‌شود. در گذشته می‌گفتند که پریان آسمان و نور خورشید نباید محتویات آن را ببینند. به همین دلیل سفره را گاه در زیرزمین خانه می‌انداختند. به جز انواع خوراکی‌ها که چندین نفر در تدارک آن سهیم می‌شوند، اشیایی که سر سفره است شامل آینه، قرآن، سجاده، جانماز، برگ سبز، آفتابه و لگن، اسفند، گلاب، سرمه و سرمه‌دان، شمع، شمعدان، گل، سکه، پارچهٔ ترمه است.

این نمونه در شب جمعه و در اتاقی با پرده‌های کشیده انداخته شد. صاحب نذر پس از نماز و دعا و خواستن حاجت و افروختن شمع، در اتاق را بست. روز بعد با وضو در را گشود و بادقت همهٔ چیزهایی را که در سفره بود نگاه کرد. نذردهندگان معتقدند اگر نذرشان در پیشگاه حق پذیرفته شود، حضرت خضر شب‌هنگام وارد اتاق در بسته می‌شود و قاووت، آرد، حلوا، کاجی و... را تبرک می‌کند. در نمونهٔ بررسی‌شده، صاحب نذر نشانهٔ حضور خضر و برآورده شدن حاجتش را روی حلوا دید.

گویا در مواردی چنانچه آبی در لگن دیده شود نیز گویند که حضرت خضر دست به نماز گرفته است. شایان ذکر است، در کنار این سفره کسی به تناول نمی‌نشیند و مهمان دعوت نمی‌شود، بلکه پذیرایی به پس از تحویل سال موکول می‌شود. تا آن زمان آرد نظر کردهٔ حضرت خضر را با مقداری شیر مخلوط می‌کنند تا سفت شود و آن را به نیت تبرک می‌خورند. در موقع درست کردن خوراکی‌ها نباید کسی مطلقاً از آن بخورد و حتی مزه‌اش را بچشد. پس از گستردن سفره، کل خانواده باید غسل کنند [۲۲]. (البته در مورد مطالعه‌شده، فقط کسی که نذر کرده بود غسل کرد.) زمان ادای آیین نیز تحویل سال نبود. در پایان، حاضران با خوراکی‌های فراوانی که بر سفره نهاده شده بود پذیرایی شدند و آنان که آرزویی داشتند، شمع‌های نیم‌سوز را با خود بردند تا در صورت روا شدن حاجت، بر سفرهٔ خضری که خود خواهند انداخت روشن کنند.

سفره شاه‌پریان (دختر شاه‌پریان)

این آیین هم در میان مسلمانان و هم زردشتیان برگزار می‌شود که تفاوت‌هایی باهم دارند. در اینجا یک نمونه از دزفول و نمونه‌ای نیز از میان زردشتیان کرمان بررسی شده است. شایان ذکر است که اکنون شمار اندکی از هر دو گروه این نذر را اجرا می‌کنند.

مردم دزفول این سفره را فقط در شنبه یا چهارشنبه‌ای از ماه رجب می‌اندازند. طبق آنچه نگارنده پژوهش‌گر دیده است، صاحب نذر روزه گرفت و خوراکی به نام شکرکنجی درست کرد. آن را به همراه نان و پنیر، برگ سبز گنار و آینه بر سفره گذاشت و روسری سبزی را روی آن‌ها انداخت (گاه فقط روی شکرکنجی انداخته می‌شود) و شمع روشن کرد. سپس ده نماز دورکعتی برای حضرت علی، حضرت فاطمه، امام‌زمان، شاه‌پریان، ماه‌پریان، حورپریان، درخت گنار سبز، پادشاه، دختر پادشاه و مرد عرب خواند. پس از آن، برای دیگران داستانی را درباره‌ی مردی خارکن تعریف کرد که بیشتر شخصیت‌هایی که برایشان نماز خوانده شده بود در آن حضور داشتند. هم‌زمان، شنوندگان مقداری حنا را در کف دست خود هم می‌زدند. سپس پارچه‌ی سبز را کنار زدند و سعی کردند اثر انگشتان شاه‌پریان را روی شکرکنجی بیابند. آن‌گاه با خوردن خوراک‌ها مراسم به پایان رسید.

نکته‌ای که این سفره را از دیگر موارد معرفی‌شده متفاوت می‌کند این است که منعی برای ورود یا خوردن خوراک‌ها برای مردان نیست. هرچند مزداپور این آیین را در آن دسته سفره‌های زردشتی قرار می‌دهد که مرد و حتی زن آستن را اجازه حضور نیست (۸، ص ۳۸۴)، در مصاحبه و مشاهده نمونه زردشتی این سفره نیز چنین چیزی دیده یا شنیده نشد.

شیانگاه سفره‌ای انداخته شد که در چهار گوشه آن کنجد، شکر، کشمش و شمع گذارده شد و آینه، گلاب، سیر، سرکه، شیرینی، حلوا، شربت، روغن جوشی، گماج، میوه، آجیل، کندر، گل و نیز کتاب *اوستا* در میان آن بود. مرغی نیز ویژه این نذر سر بریده بودند که پس از پخت بر سفره گذاشتند. نمک را نیز در نعلبکی ریختند و رویش را کاملاً صاف کردند. سپس در را تا صبح بستند. آنان نیز روزه گرفتند و پس از گشودن در، بر سر سفره مناجات‌های *اوستا* را خواندند و داستان شاه‌پریان را گفتند. آن‌گاه پس از روشن کردن شمع همگی بیرون آمدند و بار دیگر در را بستند تا به اصطلاح مدت کوتاهی سفره در سکوت باشد و خوبان و پیران خشنود شوند (مصاحبه ۹، آبان ۱۳۹۷). سپس بازگشتند و با خوردن خوراک‌ها آیین را به پایان رساندند.

گویا در شکل اصیل آن، پس از ورود به دنبال اثر انگشت روی نمک می‌گشتند و آن را از خوبان می‌دانستند که در حال حاضر تأکید زیادی روی آن نیست (مصاحبه ۹، آبان ۱۳۹۷).

طبق گفته بانی این سفره، انجمن زردشتیان برپایی سفره‌هایی مانند شاه‌پریان، بی‌بی سه‌شنبه و وهمرو (وهمن‌روز) را به علت خرافات یا غیرزردشتی دانستن آن‌ها منع کرده و نذرها را به نام گهنبارها انجام می‌دهند. به همین دلیل، نسل امروز اعتقادی به این سفره‌ها ندارند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

سفره‌های نذری اغلب برای شخصی مقدس برپا می‌شوند تا به واسطه وی حاجتی گرفته شود. سه مرحله انتقال امر مقدس در این سفره‌ها دیده می‌شود که آن‌ها را می‌توان تفکیک کرد (جدول ۲).

بخش‌هایی مانند چیدن سفره و به دنبال نشانه گشتن را می‌توان بخش نمایشی آیین دانست. این قسمت در هر پنج مورد سفره ذکر شده یکی است. گفتن قصه ویژه هر سفره و نیز دعا و نماز یا روضه شکل آموزشی انتقال امر مقدس است. اما بخش کنش گستره بزرگ‌تری دارد و با وجود شباهت بسیار در هیچ دو سفره‌ای کاملاً یکسان نیست.

جدول ۲. نتایج تفکیک در سفره‌های آیینی با رویکرد انتقال امر مقدس

| شکل‌های انتقال امر مقدس | سفره: آینه، آرد، سرمه‌دان و... | سفره: چراغ، نان و پنیر و... | سفره: چراغ، آرد و دیگر مواد آش اماج | سفره: آینه، قرآن، آفتابه و لگن، گلاب، سرمه‌دان و... | سفره: چراغ، حنا و... |
|-------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| نمایش | - چیدنی‌های سفره: آینه، آرد، سرمه‌دان و... - دیدن نشان از حضرت فاطمه (س) بر روی آرد | - چیدنی‌های سفره: چراغ، نان و پنیر و... - دیدن نشان از حضرت زهرا (س) روی دیگچه | - چیدنی‌های سفره: چراغ، آرد و دیگر مواد آش اماج - دیدن نشان از ام‌البنین بر روی آرد | - چیدنی‌های سفره: آینه، قرآن، آفتابه و لگن، گلاب، سرمه‌دان و... - دیدن نشان از (دختر) شاه پریان | - چیدنی‌های سفره: چراغ، حنا و... |
| کنش | - گردآوری آرد - الک کردن آرد - در جایی پنهان گذاردن آرد - روزه گرفتن صاحب نذر - چیدن سفره - پخت کاجی - تأیید پی‌درپی داستان از سوی دختری نابالغ - خوردن کاجی - سرمه کشیدن با نگاه به آینه - تکاندن سفره بر سر صاحب حاجت | - گردآوری آرد - پابره‌نه‌بودن در زمان گردآوری - چیدن سفره - روشن کردن چراغ بر سر آن - گذاردن سفره در اتاق در بسته - در طول شب خواندن نماز از سوی صاحب نذر - پخت آش اماج و کماج - جابه‌جا شدن آش در میان دو ظرف به دست دختر نابالغ | - گردآوری آرد - پابره‌نه‌بودن در زمان گردآوری - چیدن سفره - روشن کردن چراغ بر سر آن - گذاردن سفره در اتاق در بسته - در طول شب خواندن نماز از سوی صاحب نذر - پخت آش اماج و کماج - جابه‌جا شدن آش در میان دو ظرف به دست دختر نابالغ | - چیدن سفره - بستن در اتاق - غسل کردن همه اعضای خانواده - مخلوط کردن آرد نظر کرده با شیر خوردن خوراکی‌های سفره پس از تحویل سال | - چیدن سفره - پوشاندن روی سفره - روزه گرفتن صاحب نذر - هم‌زدن حنا در کف دست - واکنش حاضران به داستان |

تحلیل سفره‌های نذری زنانه براساس نظریه آیین‌های گذار ۳۸۳

| شکل‌های انتقال امر مقدس | سفره بی‌بی سه‌شنبه | سفره دیگچه حضرت زهرا | سفره آلبین | سفره حضرت خضر | سفره شاهپریشان |
|-------------------------|---------------------|----------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------|---------------------|
| | | | فاطمه‌نام حین دعا و روضه - مخلوط کردن آن آش با ظرف اصلی - تقسیم و خوردن آش - در صورت وجود بیمار: خوراندن کمی از غذای متبرک به بیمار، گذاشتن علامت روی پیشانی و سینه او با دوده شمع سفید، سیاه کردن تیغه یک چاقو با دوده همان شمع | | |
| آموزش | - خواندن نماز و دعا | - نماز و دعا | - خواندن روضه و قرآن | - خواندن نماز و دعا | - قصه - خواندن نماز |

منبع: نگارندگان

پیش از این و در جدول ۱، برخی از ویژگی‌هایی را دیدیم که ترنر برای آستانگی، که در دل جماعت‌واره ایجاد می‌شود، برشمرده است. پس از آن، چند حالت دیگر نیز اضافه شد مانند مرگ، در رحم بودن، در تاریکی بودن و... در هریک از نمونه‌های مطالعاتی چند مورد از آن‌ها قابل تعبیر است. فقط سفره بی‌بی سه‌شنبه است که همه جنبه‌های بررسی‌شده در آن دیده می‌شود (جدول ۳).

جدول ۳. مصداق جنبه‌های جماعت‌واره‌گی و آستانگی در سفره‌ها

| مصداق جنبه‌های جماعت‌واری و آستانگی | سفره سنی سیدالنبی | سفره دیگچه حضرت زهرا | سفره آینه آماج کمال | سفره حضرت خضرت پخت | سفره شاه‌پریان |
|-------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------|-----------------------------------------|-----------------------------------------|-------------------------|
| برابری و از میان رفتن منزلت اجتماعی | گدایی آرد | خواندن نماز در آشپزخانه و در پای دیگ نذری | - گدایی آرد - پابرهنگی | شرکت دیگران در تامین خوراک‌های سفره | |
| انزوا | جدابودن جمع زنانه مراسم از مردان | جدابودن جمع زنانه مراسم از مردان | جدابودن جمع زنانه مراسم از مردان | جدابودن جمع زنانه مراسم از مردان | |
| تاریکی | - انداختن سفره و پخت کاجی در فضای نیمه‌تاریک - گذاشتن آرد درون تنور، زیر دیگ یا تغار یا فضایی در بسته در طول شب | بازکردن در دیگ در اتاقی در نیمه‌تاریک و بدون وجود نور خورشید | انداختن سفره در اتاقی در بسته در طول شب | انداختن سفره در اتاقی در بسته در طول شب | پوشاندن سفره |
| در رحیم بودن | گذاشتن آرد در تنور | | | | |
| نبود جنسیت | حضور دختر نابالغ در بخشی از مراسم | حضور دختر نابالغ در بخشی از مراسم | | | |
| ارجاع به قدرت‌های رازآمیز | - سفره منسوب به سه بانوی مقدس (بی‌بی سه‌شنبه، بی‌بی حور، بی‌بی نور) | سفره منسوب به حضرت زهرا | سفره منسوب به ام‌البنین | سفره منسوب به خضر نبی | سفره منسوب به شاه‌پریان |
| پیروی از آموزه‌های مقدس | گرفتن روزه | نماز | نماز | غسل | گرفتن روزه |

منبع: نگارندگان

پس از تفکیک شکل‌های انتقال امر مقدس و نیز پیدا کردن مصادیق جماعت‌واره و آستانگی، در این بخش اجزای آیین‌های موردنظر به گونه‌ای جدا می‌شوند که به مسئله اصلی پاسخ داده شود. از میان مراحل گذار، گسست و بحران و به‌ویژه پیوند در سفره‌های نذر کمتر محسوس هستند و بیشترین بخش آیین در حالت آستانگی می‌گذرد (جدول ۴).

با نگاه به جدول ۴ می‌بینیم که گسست در سفره شاه‌پریان کمتر و در سفره‌های بی‌بی سه‌شنبه و اماج و کماج بیشتر از دیگر موارد بررسی شده است. مرحله گذار، که در آن فرد وارد آستانگی می‌شود، نیز در این دو سفره گسترده‌تر است. این مرحله با پهن کردن سفره در فضایی که به صورت موقت مکانی خاص، مقدس‌گونه و دارای تابو شده است، آغاز شده و پس از انجام دادن آداب گوناگون با ورود به مرحله صرف غذای متبرک، که آغاز پیوند است، به پایان می‌رسد. در بیشتر موارد، پایان قطعی وضعیت گذار هنگامی است که مردان می‌توانند وارد فضای خانه شوند.

جدول ۴. تفکیک اجزای آیین براساس مراحل گذار

| مراحل گذار | سفره بی‌بی سه‌شنبه | سفره در کماج حضرت زهرا | سفره امام‌زینب (اماج و کماج) | سفره شاه‌پریان |
|-----------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| گسست | - گدایی آیینی - لزوم دوربودن مردان از تمامی مراحل و مکان‌های اجرای آیین | - لزوم دوربودن مردان از تمامی مراحل و مکان‌های اجرای آیین | - گدایی آیینی - درآوردن کفش‌ها - لزوم دوربودن مردان از تمامی مراحل و مکان‌های اجرای آیین | - لزوم دوربودن مردان از تمامی مراحل و مکان‌های اجرای آیین - غسل کردن |
| میانگی (آستانه) | - پهن کردن سفره نذر در فضایی نیمه‌تاریک با در و پنجره بسته و پرده کشیده (در برخی جاها سفره را صبح روز بعد می‌چینند) - گذاردن ظرف آرد درون تنور یا اتاق در بسته در طول شب - گرفتن روزه | - پهن کردن سفره نذر در فضایی نیمه‌تاریک با در و پنجره بسته و پرده کشیده - پخت غذای آیینی - روشن کردن و گذاردن شمع روی دیگ - نماز خواندن پای دیگ | - پهن کردن سفره نذر در فضایی نیمه‌تاریک با در و پنجره بسته و پرده کشیده - بستن در و عدم ورود در طول شب - ورود به اتاق در صبح - به دنبال نشانه گشتن روی آرد - نماز گزاردن بر سر | - بستن در و عدم ورود در طول شب (زردشتیان) - ورود به اتاق در صبح - گرفتن روزه - نماز گزاردن بر سر سفره (دزفول) - پوشاندن روی سفره |

| مراحل گمار | سفره یابی سه‌شنبه | سفره دیگری حضرت زهرا | سفره ام‌البنین (اماج و کماج) | سفره چهارشنبه | سفره پیرایان |
|------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| | <p>- با وضو وارد اتاق شدن در صبح</p> <p>- به دنبال نشانه پذیرش گشتن روی آرد و نمک</p> <p>- پخت کاجی با همان آرد</p> <p>- هم‌زمان گفتن داستان ویژه این سفره</p> <p>- پیایی تأیید کردن دختر نابالغ</p> <p>- خواندن نماز و دعا</p> <p>- نگاه به آینه و سرمه کشیدن</p> <p>- گاه تکانیدن چادری که به جای سفره بوده بر سر یکی از حضار</p> | <p>- باز کردن سر دیگ در اتاقی بدون روزن به آسمان</p> <p>- به دنبال نشانه پذیرش گشتن روی دیگری</p> | <p>سفره</p> <p>- پخت کماج (نان) و آش اماج با آرد گردآوری شده</p> <p>- آمدن دیگران بر سر سفره</p> <p>- خواندن روضه و قرآن</p> <p>- هم‌زمان ریخته شدن آش از ظرفی به ظرف دیگر به دست دختر نابالغ با نام فاطمه (هفت بار)</p> <p>- مخلوط کردن آش متبرک با بقیه غذا</p> <p>- در صورت وجود بیمار: خوردن کمی از غذای متبرک به بیمار، گذاشتن علامت روی پیشانی و سینه او با دوده شمع سفره، سیاه کردن تیغه یک چاقو با دوده همان شمع</p> | <p>وضو به اتاق</p> <p>- به دنبال نشانه گشتن روی آرد یا ...</p> <p>- مخلوط کردن آرد و شیر</p> | <p>(دزفول)</p> <p>- گفتن داستان مربوط به این سفره و همراهی حضاران</p> <p>- ترک کردن اتاق برای مدتی (زردشتیان)</p> <p>- به دنبال نشانه گشتن روی حلواکنجی (دزفول) و نمک (زردشتیان)</p> |
| پیوند | <p>- خوردن کاجی</p> <p>- شستن طرف‌ها</p> <p>- ریختن آب ظرف شویی در آب روان</p> <p>- اجازه ورود مردان</p> | <p>- خوردن دیگری</p> <p>- شستن دست‌ها و ظرف‌ها</p> <p>- ریختن پس‌آب در آب روان</p> <p>- اجازه ورود مردان</p> | <p>- تقسیم و خوردن آش و هم‌زمان طلب حاجت</p> <p>- اجازه ورود مردان</p> | <p>- خوردن خوراک‌های سفره</p> <p>- اجازه ورود مردان</p> | <p>- خوردن خوراک‌های سفره</p> |

در این نوع آیین اجتماعی، که برای انواع مقاصد مانند طلب شفا، رفع گرفتاری، گشایش بخت، فرزندآوری و ... برگزار می‌شود، با وجود تفکیک جنسیتی و محدودشدن ظاهری آن به زنان می‌توان گفت که در واقع مردان نیز تابع قاعده آن‌اند. در طول انجام، به‌ویژه در آن دسته که همراه با منع حضور مردان است، آن‌ها با پذیرش این اصل و دورشدن از فضای اجرای آیین عملاً به کنشگران فرعی تبدیل می‌شوند.

دو مورد از این پنج سفره قصه‌ای دارند که به گونه‌ای سرمنشأ این آیین‌ها را شرح می‌دهند. نظریه‌پردازان اسطوره آیین‌گرا به قائم به ذات نبودن اسطوره و پیوند آن با آیین معتقدند [۷]، ص ۱۰۹]. درست است که قصه‌هایی که برای این سفره‌ها گفته می‌شوند افسانه به شمار می‌آیند، اما مرز میان اسطوره‌ها و افسانه‌ها بسیار باریک است؛ به گونه‌ای که لوی استروس دلیلی جدی برای جداکردن آن‌ها نمی‌شناسد. بسیاری از مضامین مانند روایت، اشخاص و بن‌مایه‌ها میان این دو مشترک‌اند، ولی تفاوت‌های آشکاری نیز دارند. افسانه‌ها یا داستان‌های پریان، برخلاف اسطوره‌ها، ویژگی‌های کیهان‌شناختی، متافیزیکی و طبیعی ندارند و بیشتر منطقه‌ای، اجتماعی و اخلاقی‌اند. دیگر اینکه، داستان‌های پریان درون‌مایه‌ها را به صورتی ضعیف انتقال می‌دهند، حال آنکه تحقق قوی‌تر این درون‌مایه‌ها ویژگی بارز اسطوره است. با وجود این، افسانه‌ها درست همچون اسطوره‌ها برخاسته از ساختارهای اجتماعی‌اند [۱۳]، ص ۱۲۳]. می‌توان آن‌ها را به نوعی اسطوره مرتبط با آیین دانست که بخشی از آن را تبیین می‌کند. در این قصه‌ها نیرویی مقدس در اوج استیصال راه‌هایی را، که در به‌جا آوردن مستمر آن آیین است، به قهرمان داستان آموزش می‌دهد. به محض انجام، وضعیت ناگهان بهبود می‌یابد. اما بعد به گونه‌ای در انجام دادن آن کار کوتاهی می‌شود و این بار گرفتاری به شکلی شدیدتر از قبل پیش می‌آید. شخصیت داستان متوجه دلیل می‌شود و با ادای آیین شرایط به‌خوبی عوض می‌شود. حال زنان این جمع ادامه‌دهندگان همان عمل آیینی‌ای هستند که قصه آغاز آن و میزان تأثیر و اهمیتش بر زندگانی را تعریف می‌کند. حتی می‌توان گفت که در داستان بی‌بی سه‌شنبه به نوعی برای نبود مردان در این آیین نیز دلیل آورده شده است: همسر شخصیت داستان از روی بی‌اعتقادی و با نگاهی تحقیرآمیز مانع پختن کچی می‌شود.

جمع‌بندی

سفره‌های نذری نوعی خوانش ویژه زنان از زندگی‌اند که در مواقع پیش‌آمدن یک مشکل برپا می‌شوند. این جمع‌های کوچک، جماعت‌واره‌هایی هستند که در آن افرادی از گروه‌های اجتماعی و با شرایط گوناگون گرد هم می‌آیند و همگی رسمی مقدس را بجا می‌آورند. در هر نمونه، شماری از ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی حالت آستانگی دیده می‌شود. به این معنا که زنان در این وضعیت‌های میان‌ساختاری دارای حالتی از انزوای نسبی هستند که دوری از برخی

از جایگاه‌های فرهنگی و اجتماعی پیشین است. قلب آستانگی امری مقدس است که دارای مؤلفه‌هایی برای انتقال است. هر آنچه در ادای آیین می‌گذرد، از فراهم‌آوردن آنچه بر سفره می‌گذارند تا خوردن خوراک مقدس، صورتی از نمایش، کنش و آموزش است که مؤلفه‌های این انتقال هستند؛ امری که اصل موضوع آستانگی است.

دسته‌ای از این سفره‌ها قصه‌های دارند که می‌توان آن‌ها را اسطوره این آیین‌ها دانست. اسطوره خود پدیده‌ای آستانه‌ای است که درباره چگونگی شکل‌گیری‌هاست. در این سفره‌ها نیز، مناسکی را ادا می‌کنند که از پیش مقرر شده است و در ادامه قول و قراری است که در زمان و مکانی نامعلوم گذاشته شده است.

این آیین گذار، مانند همه نمونه‌های دیگر، میان افرادی رخ می‌دهد که ارزش‌ها، علایق و تاریخی مشترک دارند. در برخی نمونه‌ها و در آغاز آیین، صاحبان نذر گونه‌ای گدایی را نمایش می‌دهند که این مورد به اضافه منع حضور مردان را می‌توان در میان کنش‌های سه‌گانه گذار، نوعی گسست دانست. پس از ورود به مرحله آستانگی، باور به حضور نیروی رازآمیز قدسی تا پایان کار ادامه دارد که دیدن نشانه ملموس از آن دلیل به ثمر رسیدن آیین دانسته می‌شود. بیشتر سفره‌های نذری به گونه‌ای پنهان به جای آورده می‌شوند: دور از مردان، در جمعی محدود، در جایی نیمه‌تاریک و بسته. اجرای بخشی از آیین در جمع است و بخشی به عهده صاحب نذر که باید آن را انجام دهد تا در پایان پس از دیدن نشانه و با اطمینان قلبی حاصل از اجرای آیین وارد مرحله پیوند شود و آن را به پایان برساند.

اتفاقی که در پایان این گذار برای زنان می‌افتد، آرامش در نتیجه امید به برآورده شدن آرزوهایشان از راه نوعی کنش مبادله‌ای با قدرت الوهی صاحب سفره است. زنان در طی زمان راه رفع دغدغه‌های زندگی همچون سلامت خانواده، باروری، ازدواج، رهایی از بند، برکت و... را در این جماعت‌واره‌ها یافته‌اند و گویی نیروی حاصل از هویت جمعی‌شان است که باعث اتصال به نیروی قدسی و بازنمایی امر غایب شده است.

در این میان، نمادهای آیینی فراوانی وجود دارند که تحلیلشان تحقیقی دیگر را می‌طلبد و لذا بدان پرداخته نشده است. این پژوهش گروهی از آیین‌های معاصر را، که یکی از وجه‌های تأثیرگذار بر آن‌ها زنانگی است، در پنج منطقه ایران بررسی کرد. تعدادی همانند آنچه از سالخورده‌گان شنیده یا در منابع نوشته شده، برگزار شدند و برخی فقط با ادای بخش‌هایی از آیین. همه برگزارکنندگان سنینی بالای شصت داشتند و به‌ویژه در مورد سفره شاه‌پریان تأکید داشتند که در سالیان اخیر کمتر کسی آن را برگزار کرده و کمتر جوانی به آن معتقد است. پرداختن به دلایل و پیامدهای این مسئله در حیطه این تحقیق نبوده است؛ اما به نظر می‌آید که تحلیل فرایندی آیین‌های ایران در دوران زوال آن‌ها ضروری است، زیرا فقط معرفی صرف می‌تواند شناخت ناقص و برداشت‌های نادرست در پی داشته باشد.

منابع

- [۱] اسدیان، محمد (۱۳۸۴). *آیین‌های گذر در ایران و بررسی تطبیقی آیین‌های ایرانی در حوزه‌های فرهنگی و جغرافیایی*، تهران: پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی.
- [۲] انگریزینو، مایکل (۱۳۹۷). *درآمدی بر مردم‌نگاری*، ترجمه جبار رحمانی و محمد رسولی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- [۳] رحمانی، جبار؛ فرحزاد، یاسمن (۱۳۹۴). «سفره‌های نذری در تهران: عاملیت زنانه در جماعت آیینی»، *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، دوره ۵، ش ۲، ص ۱۸۳-۲۰۰.
- [۴] رودنبولر، اریک (۱۳۸۷). *ارتباطات آیینی از گفت‌وگوهای روزمره تا جشن‌های رسانه‌ای شده*، ترجمه عبدالله گیویان و ابراهیم حقیقی، ناشر: دانشگاه امام صادق.
- [۵] سپهر، محمدهمایون (۱۳۸۷). «زنان میراث‌دار سفره‌های هفت‌سین و نذری»، *فصل‌نامه نجوای فرهنگ*، ش ۷، ص ۳-۱۲.
- [۶] سجادی، مهدی (۱۳۹۳). «تحلیل نظری ویکتور ترنر در باب آیین زیارت»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، رشته دین‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- [۷] سگال، رابرت آلن (۱۳۸۹). *اسطوره*، ترجمه فریده فرنودفر، تهران: بصیرت.
- [۸] شکورزاده بلوری، ابراهیم (۱۳۴۶). *عقاید و رسوم عامه مردم خراسان*، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- [۹] شهری، جعفر، (۱۳۷۱). *طهران قدیم*، ج ۴، تهران: معین.
- [۱۰] فرحزاد، یاسمن (۱۳۹۲). «آیین‌های زنانه با تمرکز بر آیین زن شاهی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، رشته هنر اسلامی، دانشگاه هنر اصفهان.
- [۱۱] فکوهی، ناصر (۱۳۸۸). *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*، تهران: نی.
- [۱۲] کاسیرر، ارنست (۱۳۷۸). *فلسفه صورت‌های سمبلیک*، ج ۲: اندیشه اسطوره‌ای، ترجمه یدالله موقن، تهران: هرمس.
- [۱۳] مختاریان، بهار (۱۳۸۴). «الگوی پیشنهادی رده‌بندی داستان‌های پریان بر بنیاد اسطوره‌ها»، *نامه انسان‌شناسی*، ش ۸.
- [۱۴] مزداپور، فرنگیس (۱۳۷۶). «درآمدی بر سفره‌های مقدس زردشتی»، *یاد بهار (مجموعه مقالات یادنامه دکتر مهرداد بهار)*، تهران: آگه، صص ۳۸۳-۳۸۷.
- [۱۵] موریس، برایان (۱۳۸۳). *مطالعات مردم‌شناختی دین*، ترجمه سید حسین شرف‌الدین و محمد فولادی، قم: زلال کوثر.
- [۱۶] میشل پائوف، میشل پرن (۱۳۶۸). *فرهنگ مردم‌شناسی*، ترجمه اصغر عسکری خانقاه، تهران: ویس.
- [۱۷] همیلتون، ملکم (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: ثالث.
- [18] Turner, Victor (1964). "Betwixt and between: the liminal period in rites de passage", In Symposium on New Approaches to the Study of Religion: Proceedings of the Annual Spring Meeting of the American Ethnological Society (ed.) 3. Helm. PP 4-20. Seattle: American Ethnological Society distributed by The University of Washington Press.

- [19] Turner, Victor (1966). *The Ritual Process: Structure and Anti-Structure*. Chicago Aldine Publishing Company; London: Routledge & Kegan Paul.
- [20] Turner, Victor (1967). *The Forest of Symbols: Aspects of Ndembu Ritual*. Ithaca: Cornell University Press.
- [21] Turner, Victor (1985). *On the edge of the bush, anthropology as experience*. The university of Arizona Press.

[۲۲] فرح زاد، یاسمن (۱۳۹۷ / ۳ / ۱۴)، سفره نذری حضرت خضر (ع)، وبلاگ آیین‌های زنانه.
<http://femalerituals.blogfa.com/post/۲۱/%D%A۳D%A۱%۹D%A۸%۱D%A۷%۹E۸%۸۰%۲C%EA%۸۰%۲C-%D%A۶%۹D%A۸%۰D%A۸%۱D%A۸%۹A-%D%AAD%D%A۸%۶D%A۸%۱D%A۸A-%D%A۸E%D%A۸%۶D%A۸%۱-%D%A۸%۹>